

سازوکارهای فقه اسلامی در جهت تأمین امنیت اقتصادی

□ میرزا حسین فاضلی *

چکیده

تهدیدات اقتصادی همواره یکی از اصلی ترین خطراتی است که جوامع ضعیف را با مخاطره مواجه می سازد. با در نظر داشت اینکه فقه اسلامی قانون اداره جامعه است؛ باید دید نسبت به تهدیدات اقتصادی چه سازوکارهای اندیشیده است. براساس آموزه های دینی و آنچه از فقه سیاسی اسلام بدست میاید؛ این است که برای رسیدن به یک اقتصاد سالم در گام نخست باید در جهت برقراری نظام عادلانه تلاش کرد، نظام عادلانه نظامی است که از حکمرانی سالم برخوردار باشد. حکم رانی خوب داراری شاخص های ذیل است: ۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی، ۲. ثبات سیاسی، ۳. اثر بخشی، ۴. کیفیت مطلوب قوانین و مقررات، ۵. حاکمیت قانون، ۶. کنترل فساد. در گام دوم؛ در فقه سیاسی اسلام با تهدیدات اقتصادی که سلامت اقتصاد جامعه را به خطر می اندازد، مقابله شده است. تهدیداتی که در فقه اسلامی در جهت مقابله با آنها سازوکارهای اندیشیده شده است زیاد است می توان گفت عمده ترین تهدیدات در عرصه اقتصادی، کلاهبرداری، پول شویی، اختلاس، رشوه خواری، احتکار، گران فروشی، کم فروشی و غیره است و در فقه اسلامی هر چیزی که سلامت اقتصادی جامعه را تهدید می کند؛ به صورت جدی، مقابله گردیده است.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، نظام سیاسی، فقه اسلامی، تهدیدات اقتصادی.

مقدمه

در آغاز دهه ۱۹۹۰ برخی محققان، استدلال کردند که دنیا پا به عصری می‌گذارد که در آن ابعاد اقتصادی امنیت به‌طور چشمگیری بر ابعاد سنتی سیاسی - نظامی آن حاکم خواهد شد. به‌طور داریم نگاه به اقتصاد و امنیت ملی این‌گونه بوده که این دو، تا حدودی همواره باهم در ارتباط بوده‌اند. برای مثال آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل رابطه بین دفاع و ثروتمندی را تحلیل نموده و می‌گوید که به‌طور سنتی این رابطه به‌گونه‌ای است که اقتصاد همواره تابع امنیت است. و در هیچ مورد نمی‌توان حقیقتاً قدرت سیاسی را از قدرت اقتصادی تفکیک کرد. (شیهان، ۱۳۸۸: ۸۷) هرچند امنیت اقتصادی نسبت به سایر ابعاد دستورکارگسترش یافته امنیت، همچون محیط زیست، از قدمت بیشتری برخوردار است و عمری به درازای یک قرن را سپری کرده است. ولی درعین حال، امنیت اقتصادی؛ یکی از پنج موضوعی بود که باری بوزان در سال ۱۹۸۳ شناسایی و تعریف کرد.

۱. تعریف امنیت

هرچند «امنیت» مقوله دیرینه و کهنی است که بشر از آغاز زندگی با آن سروکار داشته و در پی تحقق آن بوده است. ولی به مرور زمان، این مقوله به شدت دچار نوسان و تحول گردیده است. برای درک درست مفهوم «امنیت» در اینجا لازم است ابتدا مفهوم امنیت از نظر لغت شناسان به بحث گرفته شود. و آنگاه متناسب با معنی لغوی آن، از نگاه اصطلاح نیز، مورد واکاوی قرار گیرد.

الف) امنیت در لغت

امنیت در لغت، عبارت از حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله هست؛ که در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت «امنیت فردی» و یا «امنیت اجتماعی» امنیت ملی و «امنیت بین‌المللی» به کار برده می‌شود. تعاریف لغوی امنیت عبارت

است از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تهدید است. (بوزان، ۱۳۹۰: ۵۲) آرنو و لفرز: امنیت در معنی عینی آن یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنی ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌ها مزبور مورد حمله قرار گیرد (۵ wolfers op. cit. (note)).

ب) امنیت در اصطلاح

برخلاف معانی لغوی که تعاریف، قرابت زیادی به هم دارند، در سطح اصطلاح برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد. مجموع تعاریف ارائه‌شده به بیش از ۱۸۰ تعریف متفاوت بالغ می‌شود که می‌توان در جمع‌بندی کلان آن‌ها را در ذیل دو گفتمان اصلی، ذیل، دسته‌بندی نمود (افتخاری، ۱۳۷۷: صص ۱۴-۲۹)

یک) امنیت سلبی: بدین معنی که: وضعیتی که در آن منافع بازیگر یا از سوی دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشود و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای بازیگر (هدف) وجود داشته باشد. در این تعریف چند مفهوم محوری لحاظ شده است:

اول: امنیت از جنس «وضعیت» است. دوم: منافع در بحث از امنیت نقش محوری را دارد، سوم: واژه تهدید در این تعریف از امنیت به‌عنوان واژه اساسی مطرح است؛ چهارم: مدیریت تهدید، اصطلاحی راهبردی است که دلالت بر چند سیاست دارد که وجه بارز تمامی آن‌ها خنثی‌سازی یا کم‌اثر سازی یک «تهدید» است. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به سیاست دفع، استحاله (که تهدید به فرصت تبدیل شود) و سیاست مهار. (افتخاری، ۱۳۹۱: صص ۸۰-۸۳) می‌توان اشاره کرد.

دو) امنیت ایجابی: امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌های یک واحد سیاسی معین، متناسب با ضریب ایدئولوژیک (آن واحد) تعادلی وجود دارد که نزد بازیگران (آن واحد) تولید رضایت می‌نماید. آنچه در این تعریف درخور توجه است، غلبه ماهیت نرم افزارانه آن بر ابعاد سخت افزارانه آن است.

ج) ابعاد امنیت

امنیت دارای دو بعد داخلی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط هستند. در بعد داخلی تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزها ناامنی به وجود می‌آورد. در بعد خارجی نیز امنیت می‌تواند از ناحیه مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی (تحریم‌های اقتصادی، تعرفه‌ها...) تهدید شود. بنابراین امنیت دارای ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت؛ امنیت اقتصادی است.

۱. امنیت اقتصادی

بنابر تعریف باری بوزان «امنیت اقتصادی در سطح فرد، عبارت است از: میزان دست رسی انسان به ضروریات زیستی (غذا؛ آب، پناه و آموزش) اما در سطح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی، با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیارسیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است.» (بوزان، ۱۳۹۰: ص ۲۶۶) اما امنیت دولت، از نظر اقتصادی، جزء دستور کار امنیت ملی است. ایجاد امنیت اقتصادی برای دولت، باعث طرح سؤالاتی مشابه تأمین امنیت افراد می‌شود. ساده‌ترین دیدگاه این است که امنیت را با شرایط اقتصادی یکی بدانیم. اما اگر معیار اقتصادی در امنیت فراتر از این برود، مسایل پیچیده‌ای در زمینه تأثیر این امنیت بر کارایی اقتصادی و توانایی دراز مدت دولت برای بهبود یا حفظ موضع خود در سیستم بین‌المللی مطرح می‌شود (همان، صص ۲۲۷-۲۷۱). به طور کلی می‌توان گفت امنیت اقتصادی در این سطح عبارت است از: دسترسی به منابع، سرمایه، پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح و درجات قابل قبول رفاه و قدرت دولت است. (همان، ص ۲۴) بوزان و مکتب کینهاک استدلال کردند که دیدگاه‌های متعارض را در بحث امنیت اقتصادی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. که عبارتند از مرکاتیلیست‌ها، لیبرال‌ها، و سوسیالیست‌ها. مرکاتیلیست‌ها سیاست را بر اقتصاد مقدم می‌دانند و دولت را به عنوان بازیگر اصلی می‌پندارند که امنیت لازم برای فعالیت شرکت‌ها و بازار را فراهم می‌سازد. و این در حالی است که لیبرال‌های اقتصادی برعکس، اقتصاد را در اولویت نخست قرار داده و بر این باورند که بازار تا حد امکان باید آزاد از مداخله دولت عمل نماید.

۱/۱. رابطه اقتصاد و امنیت

دانشمندان، سه نوع رابطه را بین اقتصاد و امنیت ذکر کرده اند. که با دقت در هر کدام این سه نوع رابطه، نقش اقتصاد، در تأمین و بهبودی امنیت، به خوبی آشکار می گردد. چه اینکه هر کشوری که از اقتصاد قوی تری برخوردار است؛ از امنیت بهتری نیز بهره مند است. برعکس کشور های که دارای اقتصاد ضعیف است، از نظر امنیت، نیز به شدت در معرض آسیب قرار دارند.

۱/۲. توانایی اقتصادی و قدرت نظامی

فرید برگ اشاره کرده است «از زمانی، که آتن در صدد ایجاد ناوگانی در برابر اسپارت برآمد، پیوند محکمی بین ثروت و قدرت نظامی و در نتیجه به ساده ترین و مستقیم ترین شکل، بین اقتصاد و امنیت ملی پدید آمد» (Buzan & Waever, ۱۹۹۸, p. ۹۸) اقتصاد یک کشور مواد و منابع لازم برای دستیابی به قدرت نظامی را تأمین می کند. بنابراین می توان گفت که: منابع طبیعی، همانند (آب، منابع انرژی، زمین کشاورزی، و مواد معدنی) تولیدات صنعتی، منابع نامرئی، سرمایه و نیروی کار؛ عوامل و منابعی هستند که برای حفظ توان نظامی و قدرت یک کشور لازم است. نویسندگان مختلف از الفرد ثیر ماهان، تا هانس مورگنتا، استدلال کرده اند که یک کشور برای رسیدن به جایگاه قدرت های بزرگ به فضای جغرافیایی وسیع، جمعیت زیاد، و منابع طبیعی غنی و متنوع احتیاج دارد. (Alfred Thayer, ۱۹۶۰, p. ۷۴۹۰) بنابراین منافع اقتصادی یک کشور اهمیتی حیاتی برای منافع امنیتی آن کشور، دارد.

۱/۳. رفاه اقتصادی و امنیت

طبق دومین برداشت که ارتباط اقتصاد و امنیت را گسترش می دهد، برخورداری از یک اقتصاد قوی و پروتق به خودی خود یک مسأله امنیتی است. رمز امنیت اقتصادی (economic security) این است که امکانات اقتصادی یا مادی جزو ارزش های اساسی است که باید مورد توجه و حمایت قرار گیرد.

۲. ساز و کارهای امنیت اقتصادی، در فقه سیاسی اسلام

در فقه سیاسی اسلام در جهت سلامت اقتصاد جامعه و امنیت اقتصادی، راهکار های اندیشیده

شده است؛ زیرا از یک سو، در فقه سیاسی اسلام، بحث نظام عادلانه مطرح است اگر در یک جامعه نظام عادلانه وجود داشته باشد یکی از ابعاد نظام عادلانه، بحث نظام اقتصادی عادلانه است. بدین معنی که هم فرصت ها و هم امکانات باید به صورت عادلانه توزیع گردد. بدین ترتیب فعالان اقتصادی فارغ از طبقه و موقعیت های اجتماعی باید از شرایط مساوی در جهت دست یابی به فرصت ها و امکانات و مزایای مالی برخوردار باشند. و از سوی دیگر، با تهدیدات اقتصادی برخورد جدی صورت گرفته که اگر به صورت درست، بدانها عمل گردد امنیت اقتصادی جامعه اسلامی را تضمین می نماید.

الف) برقراری نظام عادلانه

بر اساس آموزه های فقه سیاسی اسلام، برقراری امنیت در تمامی ابعاد که از جمله آنها امنیت اقتصادی نیز خواهد بود یک اصل اساسی دارد و آن برقراری نظام عادلانه است. بر اساس آموزه های فقهی در عصر غیبت، نظام عادلانه، نظامی است که در رأس آن یک فقیه عادل قرار داشته باشد. بر همین اساس است که امام خمینی ره در جلد دوم کتاب البیع به این امر مهم اشاره می کند، ایشان می فرماید اسلام، صرفاً احکام عبادی و اخلاقی نیست آن گونه که بسیاری از جوانان در اثر تبلیغات دشمن همین را درک کرده اند؛ بلکه اسلام می تواند دارای یک نظام جامع و کامل باشد که تمامی عرصه ها سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره را شامل می گردد و این احکام احکامی است که تار و پود قیامت دوام و بقا دارد. به همین جهت ضرورت برقراری حکومت و نظام سیاسی نیز لازم می شود. ایشان در این باره بیان می کنند که حفظ نظام از واجبات اکیده است اگر نظامی برقرار نباشد اختلال امور پدید خواهد آمد بدون شک اختلال امور امر مبغوضی است و این امر امکان ندارد مگر با وجود والی و حکومت (الامام الخميني، ۱۳۸۴ ج ۲: صص ۶۱۷-۶۱۹) بنا بر این برای اینکه جامعه اسلامی از یک نظام اقتصادی عادلانه، برخوردار باشد ناگزیر هستند که از یک حاکمیت عادلانه برخوردار باشند و حاکمیت و نظام عادلانه در صورتی در عصر غیبت قابل تحقق است که در رأس نظام، فقیه عادل جامع شرایط قرار داشته باشد.

۱. حاکمیت عادلانه

نظامی را می توان عادلانه قلمداد کرد که از یک حکمرانی خوب برخوردار باشد. برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی، و دارای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می کند حکمرانی خوب مشتمل بر سازوکارها، فرایندها، و نهاد هایی است که از طریق آن شهروندان و تشکل ها منافع خود را ابراز می دارند، از حقوق قانونی خود بهره می برند، تعهدات و تکالیف خود را ایفا می کنند و اختلافات را با میانجی گری حل می نمایند. بانک جهانی حکمرانی را به عنوان سنت و نهاد های تعریف می کند که به وسیله آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در کشور اعمال می شود و مشتمل بر سه مؤلفه ذیل است:

یک: فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می شوند که دوشاخه حق اظهار نظر و پاسخگویی و همچنین ثبات سیاسی ذیل این مؤلفه قرار می گیرند. دو: ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست های درست مؤلفه دوم است که دوشاخه اثر بخشی دولت و نیز کیفیت قوانین و مقررات را در بر می گیرد. سه: احترام شهروندان و دولت به نهاد های که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می -کنند نیز مؤلفه دیگری است که شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد را شامل می شود. بنابراین شاخص های حکمرانی خوب را به طور خلاصه می توان به قرار ذیل بیان داشت:

۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی، ۲. ثبات سیاسی، ۳. اثر بخشی، ۴. کیفیت مطلوب قوانین و مقررات، ۵. حاکمیت قانون، ۶. کنترل فساد. (رک: امیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۵) از لوازم یک نظام عادلانه، برقراری عدالت در ابعاد مختلفی اجتماعی است. یکی از اصلی ترین ابعاد عدالت، بحث عدالت اقتصادی است.

۲. برابری فرصت ها

در ادبیات اقتصادی، برابری فرصت ها با دو مفهوم متقابل «رقابت آزاد» و «رانت» تبیین می -گردد. رقابت آزاد به معانی مسابقه افراد در جلب منافع شخصی، بدون کنترل و ایجاد محدودیت

از ناحیه دولت یا هر نیروی قاهری دیگری است. بنابراین هیچ چیزی رقابت آزاد را محدود نمی کند و هرکسی در حد توان خود می کوشد تا از دیگران عقب نماند بلکه بر آنان سبقت بگیرد. (مبانی اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۹: ۱۴۶) اولین بار ریکاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲۹) اصطلاح رانت رابه کاربرد. بنابر تعریف ایشان، رانت همان « عاید حاصل از اختلاف زمین ها از لحاظ باروری » است. (معلمی، ۱۳۹۷: ۱۴۳) البته پس از ریکاردو، اصطلاح رانت در ادبیات اقتصادی، مفهوم وسیع تری به خود گرفت بدین معنی که هرگاه از فرصت های غیر قانونی که براساس موقعیت یا رابطه به دست آمده، سوء استفاده صورت پذیرد و در مسیر کسب منفعت شخصی از آن بهره برداری گردد، رانت شکل گرفته است. (دادگر، ۱۳۸۳: شماره ۱۱) مهم ترین عوامل ایجاد رانت عبارتند از: دسترسی زود هنگام عده ای به منابع اطلاعاتی و منابع قدرت و ثروت، صدور واگذاری امکانات مجوز های انحصاری برای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی به افراد از طریق اعمال فشار سیاسی صاحبان قدرت و نفوذ؛ سپردن مسولیت های مهم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی به افراد کم ظرفیت و بی تعهد. انواع رانت شامل رانت اطلاعاتی، رانت سببی، ونسبی، رانت پست و مقام، رانت حاصل از ارتباط های صنفی، زیر بنای فساد مالی - اداری است که با عدالت اقتصادی در تضاد آشکار است.

براساس آموزه های فقه سیاسی اسلام یکی از شروط اساسی تحقق عدالت اقتصادی این است که تمام افراد جامعه بتوانند در شرایط عادلانه و برابر، رقابت نمایند. در اقتصاد اسلامی، معنی تساوی درآمد همه افراد جامعه نیست؛ بلکه برخی از اسباب اختلاف درآمد ناگزیر است. خداوند متعال می فرماید: نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاه الدنیا ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات؛ مامعیشث آنها را در حیات دنیا میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم. (زخرف/ ۴۳) در بعضی آیات سبقت جستن در خیرات، از صفات مؤمنان شمرده شده است. اولئک یسارعون فی الخیرات وهم لها سابقون (مؤمنون: ۶۱) استفاده نادرست و تبعیض آمیز در بهره مندی از امکانات و فرصت های عمومی مهم ترین و بزرگترین سنگ بنای است که اگر کج نهاد شود جامعه دچار کجروی اقتصادی گردیده مسیر بی عدالتی را طی خواهند کرد. توزیع عادلانه فرصت ها منوط به توزیع عادلانه امکانات و شرایط رسیدن به موقعیت های

اقتصادی است. این امکانات و شرایط شامل انواع خدمات آموزشی؛ بهداشتی، اقتصادی، زیرساختی، اطلاع رسانی و هم چنین ثروت های طبیعی که خداوند متعال به انسان ها ارزانی داشته است و حاصل تلاش و تولید انسان ها نیست - مانند زمین های موات، جنگلها، معادن، آبها؛ حیوانات، و پرندگان- می شود. ازین رو درآموزه های اسلامی نظریه توزیع قبل از تولید (توزیع ثروت های طبیعی) مطرح شده است. این نظریه چگونگی توزیع ثروت های طبیعی در جامعه را توضیح می دهد و براساس آن عموم مردم از فرصت برابری در بهره مندی از مواهب طبیعی برخوردار باشند. برخی از ثروت های طبیعی به مباحات عامه شهرت دارند که ملک کسی نیستند و استفاده و تملک آنها برای همگان به وسیله حیازت (دراختیار گرفتن) مجاز است؛ مانند پرندگان حیوانات وحشی؛ ماهیان و ثروت های دریا ها، درختان و آبهای جاری، تمام مردم در استفاده از مباحات عامه از حق مساوی برخوردارند. چنانچه پیامبر (ص) اکرم فرمود: من سبق الی مالم یسبقه الیه مسلم فهو احق به؛ کسی که سبقت بگیرد به چیزی که مسلمانی پیش از او آنها را در اختیار نگرفته از دیگران به آن سزاوار تر است. (جامع الاحادیث شیعیه؛ ج ۲۳ ص ۱۰۱۸)

ب) مقابله با تهدیدات اقتصادی

درفقه اسلامی با هرگونه تهدیداتی که سلامت اقتصادی جامعه را به خطر می اندازد مقابله گردیده است. و تهدیداتی همانند رانت خواری، گران فروشی، کلاهبرداری، اختلاس، سرقت، رشوه خواری و غیره که سلامت اقتصادی جامعه را هدف می گرد مقابله گردیده است. که در ذیل به برخی از این عناوین اشاره می کنم:

۱. منع احتکار

احتکار که به آن «حکره» نیز گفته می شود، در لغت به معنی ذخیره کردن غذا و خوردنی ها و حبس آن برای گران شدن است. (ابن منظور، ۱۳۶۳ق، ج ۴، ص ۲۰۸)

مشهور فقها، احتکار را ویژگی خوراکیها، مانند گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و غیره... می دانند. (امام

خمینی، ۱۳۶۳: ج ۱: ص ۶۰۱) شیخ مفید در این باره می فرماید: «هنگامی که مردم یک منطقه ای نیاز شدید به غلات پیدامی کنند و شخصی آنها را، در انبارش احتکار می کند؛ بر حاکم اسلامی واجب است که محتکر را مجبور کند به فروش غلات و نیز بر حاکم اسلامی واجب است که این غلات را بنابر مصلحت عمومی، قیمت گذاری کند به نحوی که صاحبان غلات نیز دچار ضرر نشوند. (مفید، بی-تا: ص ۸۱۰) ابو الصلاح حلبی نیز در این باره می فرماید: جایز نیست که چیزی از مواد غذایی اصلی مردم را احتکار کنند در حالی که مردم به آن نیاز شدید دارند. و اگر مرتکب چنین کاری شد باید خطاب به او گفته شود که آن اجناس را از احتکار دریاورد و به بازار مسلمین عرضه بدارد و اگر امتناع کرد، او را به چنین کاری مجبور کند. (حلبی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۶۰)

۲. منع کلاهبرداری

کسی که اموال مردم را با مکر و خدعه می گیرد، فقها حکم به ضمانت چنین شخصی می کنند، و گفته اند، باید حاکم او را به گونه مجازات کند که در آینده مرتکب چنین عملی نگردد (مفید، همان: ص ۴۵) شیخ مفید نیز در کلامی مشابه می فرماید: واجب است کسی که به حیله اموال مردم را بدست میاورد ... ادب شده و عقاب گردد و از او به خاطر آنچه به حیله بدست آورده، کاملاً غرامت گرفته شود و شایسته است که حاکم او را بین مردم عقوبت نموده و معرفی نماید تا دیگران از انجام کارهای مثل او در آینده خود داری نمایند. (طوسی، بی تا: ص ۷۲۱)

۳. منع اختلاس

اختلاس؛ که در لغت به معنی قاپیدن، چنگ زدن، و فرار کردن و ربودن آشکار است (ابن-منظور، ۱۳۶۳ق، ج ۶: ص ۶۵) در فقه به معنی ربودن علنی و ظاهری در کوچه و خیابان را می-گویند که مجازات حد (قطع دست را هر چند ندارد) بلکه بر اساس نظر امام باید مجازات بازدارنده در مورد چنین شخصی اعمال گردد (طوسی، ۱۳۹۳، ج ۸: ص ۲۲) برخی فقها ربودن در حال غفلت صاحب مال را اختلاس دانسته و ربودن آشکار را و فرار را استلاب دانسته اند و نیز انتهاب و اختطاف را به یک معنی دانسته اند و هر دو را در توضیح استلاب به کار برده اند و این واژه را هم

معنی می‌دانند (رک: نجفی، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۴۱؛ ص ۵۹۶) برای معنی اختلاس در فقه واژه استلاب نیز به کار رفته است. استلاب از ماده سلب به معنی کندن، ربودن و جدا کردن چیزی از کسی است. (ابن-منظور، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۴۷۱) به هر حال سرقت های از این دست (اختلاس اختطاف، استلاب، انتهاب خناق محتال مَبْنَج و...) هر چند مستحق حد سرقت نیستند (ولی به هر حال باید مجازات شوند) اما در مواردی که سرقت حالت اشتهار را داشته باشد که حالت اخافه و نهب و غارت را داشته باشد در این صورت محارب خواهند بود. (ابن مکی، بی تا، ج ۲: ص ۵۷) که حکم خود را دارد. سلار دیلمی در این باره می گوید: شخص محتال باید تأدیب گردد و سزاوار است، امام به گونه او را مجازات کند که از ارتکاب چنین درآینده جلوگیری گردد (سلار، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۱۸۳؛ طوسی؛ بی تا: ص ۳۷۴؛ امام-خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ص ۵۰۱).

۴. منع سرقت

فقها گفته اند اگر مالی را که به ارزش ربع دینار باشد از حرز بدزدد، و شخصی که این کار را انجام داده است، از عقل کامل بر خوردار باشد، باید دست سارق را قطع نماید. فرقی ندارد این شخص مسلمان باشد و یا کافر، حر باشد و یا عبد. (طوسی، ۱۳۴۳: ص ۷۳۵) و نیز گفته اند اگر حیوانی را بدزدد که تملکش جایز باشد، و قیمت آن به اندازه ربع دینار و یا بیشتر باشد؛ قطع دست آن واجب است. (همان: ص ۳۷۹) و باز در این باره آمده است اگر کسی مالی را بدزدد ولی کاری به او نداشته باشند؛ برای بار دوم این کار را انجام دهد، شاهدان بر دزدی اول او شهادت دهند در این صورت باید در صورت داشتن شرایط، دستش قطع شود؛ بعد از آن که دستش قطع شد، شاهدان به دزدی دوم او نیز شهادت دهند، در این صورت باید پای راست او قطع گردد (همان: ص ۷۴۰) با توجه به این احکام قاطع که در فقه اسلامی آمده است؛ امروزه باندهای سازمان یافته سرقت که چه بسا سرو سربا با کشور های بیگانه نیز داشته باشند. کسانی که امنیت مالی مردم را به خطر می اندازند، اجرای این حکم چه قدر می تواند امنیت ساز باشد.

۵. منع مصادرة اموال

هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف

نماید و یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۷: ص ۱۴۰) یکی از فقهای معاصر در ضمن جواب از سؤالی درین خصوص، می فرماید: مصادره اموال باید تحت یکی از عناوین فقهی صورت گیرد و تنها فرار مالک و یا مسافرت مالک به خارج دلیل بر مصادره نمی شود، بلکه باید از طریق شرعی ثابت شود که همه اموال او از طریق نامشروع بدست آمده و مجهول المالک است (شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۴۸۸: ۱)

البته تهدیدات اقتصادی در بعد داخلی نیز زیاد است همانند، پول شویی، ربا خواری، کم فروشی، گران فروشی، غش در معامله، انجام معاملات صوری، که در فقه اسلامی به احکام آن به خوبی توجه گردیده است. بررسی تمامی موارد یاد شده خارج از ظرفیت مقاله است، در اینجا به دلیل شیوع یکی ازین تهدیدات و اثرات تخریبی آن، با تفصیل بیشتر به آن می پردازیم. و آن مسأله «رشوه خواری» است که در همه کشورهای جهان سوم با شدت و ضعف جریان دارد.

۶. منع رشوه خواری

رشوه واژه عربی است از ریشه «ر، ش، و» گرفته شده و به سه صورت یعنی: ضم، کسر و فتح را؛ تلفظ شده است. ابن اثیر در النهایه دو وزن را برای این کلمه بیان می کند: یعنی: ضم را و کسر «را» (ابن اثیر، بی-تا، ج ۲: ص ۶۰) و جمع آن رُشا و یا رِشا (طریحی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ص ۴۵۱) (به ضم را و یا کسر را) آمده است.

در خصوص معنی رشوه بین علما سه قول عمده وجود دارد:

یک: معنی عام: عده آن را عام گرفته و معنی گسترده نیز برای آن ذکر می کنند که شامل تمام موارد و مصادق می گردد. همانند تعریف ابن اثیر که می گوید: «الوصله الی الحاجه بالمصانعه» (ابن اثیر، بی تاج ۲ ص ۲۲۶) باتبانی و نیرنگ به مقصود رسیدن.

دو: مختص باب قضاوت: همانند محقق حلی در شرایع، که می گوید: «الرشاء حرام سواء حکم لباذله او علیه بحق او باطل» رشوه حرام است چه به نفع رشوه دهنده حکم شود و یا علیه او و چه به حق باشد و یا به باطل (محقق حلی ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۱۶۶). کلمه حکم در اینجا تقریباً

منصرف به باب قضاوت است. از این رو باید گفت ایشان رشوه را مخصوص باب قضاوت دانسته است. صاحب جواهر در شرح عبارت محقق کلمه «فی الحکم» را اضافه می کند. می فرماید: «المسأله الثانيه الرشاء حرام بضم الراء وكسرها جمع رشوه فی الحکم من الدافع والمدفوع اليه حرام وسحت اجماعا بقسيميه ونصوصا مستفيضه او متواتره بل فی بعضها: «انه الكفر بالله العظيم» (حرعاملی، ۱۳۹۱، باب ۵: صص ۱-۶) و فی آخر لعن رسول الله الراشي والمرتشي» سواء حکم لباذ له او عليه بحق او باطل لا طلاق النص ومعاقدا لاجتماعات (نجفی، ۱۳۷۴ ج ۲۲: ص ۱۴۵) رشا به ضم وکسر را که جمع رشوه است در مورد حکم (قضاوت) از سوی رشوه دهنده و رشوه گیرنده؛ حرام وسحت است

سه: جُعل قاضی؛ برخی دیگر همانند محقق کرکی و مقدس اردبیلی، آن را به معنی «جعل» قاضی دانسته اند: مقدس اردبیلی: در شرح ارشاد می فرماید: «رشوه در لغت به معنی همان جعل است و ظاهرا منظور از آن در اینجا همان چیزی است که در برابر حکم حق یا باطل داده می شود که بر رشوه دهنده نیز مطلقا حرام است (اردبیلی، ۱۴۱۰ ق ۱ ج ۱۲: ص ۴۸).

جمع بندی نهایی

در فقه اسلامی، در جهت مقابله با تهدیدات اقتصادی، و اخلال گران اقتصادی، سازوکارهای اندیشیده شده است. عمده ترین تهدیدات اقتصادی در فقه اسلامی، که در بعد داخلی مطرح است عبارتند از: سرقت اموال، احتکار، کم فروشی، گران فروشی، غش در معامله، مصادر اموال، اختلاس، کلاهبرداری، رشوه خواری و غیره. فقیهان با استفاده از منابع دینی در مورد هر کدام از این معضلات اقتصادی راهکار های را بیان کرده اند. در خصوص سرقت های بزرگ حکم به قطع دست داده اند. در باره اتلاس، فقیهان، گفته اند، کسی که اموال مردم را با مکر و خدعه می گیرد، چنین شخصی ضامن است و باید به بیت المال و یا در صورت وجود صاحب مال، به صاحبش برگرداند. و در مورد سرقت های از قبیل: اختلاس اختطاف، استلاب، انتهاب، هر چند حکم به حد سرقت نداده اند؛ ولی گفته اند: به هر حال عاملان آن باید مجازات گردد. و در باره کلاهبرداری، گفته اند، باید حاکم او را به گونه مجازات کند که در آینده مرتکب چنین عملی نگردد. و در باره محترک گفته اند باید اجناس را از احتکار در بیورد و به بازار مسلمین عرضه بدارد و اگر امتناع کرد، او را در انجام چنین کاری مجبور کند. در باره رشوه خواری، هر چند اقوال مختلفی وجود دارد ولی در کلیت آن؛ حکم به حرمت داده اند.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

- افتخاری، اصغر امنیت، تهران دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۹۱.
- افلاطون، دوره آثار افلاطون، ترجمه محمد حسن لطفی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، بی-تا.
- بوزان، باری، مردم دولت هاوهراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- تریف دیگران، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علی رضا طیب وحیدبزرگی، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- جمز دوئرتی و رابرت فالتز گراف؛ نظریه های متعارض در روابط بین الملل؛ علیرضا طیب و وحید بزرگی تهران، قومس، ۱۳۷۲.
- جهان بزرگی احمد، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
- حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بی جا، دار الهدایه، ۱۳۸۵.
- داوئی حید رضا، دریکنه، رشوه واحکام آن در فقه اسلامی، قم بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- شیهان، مایکل امنیت بین الملل، ترجمه سید جلال الدین دهقانی فیروز آبادی، تهران مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
- عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، بخش حقوق بین الملل، تهران، سمت، ۱۳۹۲.
- محمد قراگوزلو، پایان همایش بنیاد گرایان، اطلاعات سیاسی و اقتصادی ش ۱۳۳-۱۷۴ بهمن و اسفند ۱۳۸۰.
- معین، محمد فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- مهریزی، مهدی، مقاله فقه حکومتی، مجله نقد و نظر، ۱۳۸۹، شماره ۱۲.
- نائینی، محمدحسین، تشبیه الامه و تنزیه الملة، تصحیح: سید جواد اورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

ب) منابع عربی

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳ق.

ابوالصلاح، حلبی، **الكافي في الفقه**، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين (ع) ١٤١١ق.
ابوجعفر محمدبن حسن الطوسي، **تفسيرالبيان في تفسير القرآن**، مكتب الاعلام اسلامي، ١٤٩٠هـ
ابي جعفر محمد الحسن بن علي الطوسي، **النهاية في مجرد الفقه والفتوى**، قم انتشارات قدس، (بي
برقي، ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن (للبرقي)** دار الكتب الإسلامية، قم - ايران،
دوم، ١٣٧١.

جمال الدين محمد عطيه، **نحو تفعيل مقاصد الشريعة، الولايات المتحدة الامريكه، المعهد
العالمي للفكر الاسلامي**، هرنندن - فرجينيا ٢٠٠٨ الطبه الثانيه.

جمعی از مؤلفان، **مجله فقه اهل بيت عليهم السلام مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامي بر
مذهب اهل بيت عليهم السلام**، قم - ايران، اول،

حراعلمی، محمد بن حسن، **وسائل الشيعة**، تحقيق: رباني شيرازي، بيروت، دارالاحياء التراث
العربي، چاپ چهارم، ١٣٩١

حلی، (محقق) **شرايع الاسلام في مسایل الحلال والحرام**، قم انتشارات استقلال چاپ دوم، ١٤٠٩.

موسوی روح الله (امام خمینی) **تحریر الوسیله**، قم، مؤسسه نشر الاسلامي، ١٣٦٣.

الخویی، ابوالقاسم الموسوی؛ **مبانی تکمله المنهاج**، نجف الاشرف، مطبعة الاداب (بی تا)

دیلمی، حمزه بن عبداسلار المراسم العلویه، لبنان: بيروت، دارالحق، ١٩٩٤.

راغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسين بن محمد، **محاضرات الأدباء ومحاورات الشعراء والبلغاء**،
ج ١، بيروت: شركة دارالأرقم بن أبي الأرقم، ٧٧١٨ق.

سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزيز، **المراسم العلویه والاحکام النبویه**، بی جا المجمع العالمي
لاهل البيت المعاونه الثقافیه ١٤١٤ق.

شهید ثانی **الروضه البهیة**، تحقیق سید محمد کلاتر، بيروت، دارالعالم الاسلامی، بی تا.

صدر، سید محمدباقر، **اقتصادنا**، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامي، ١٣٦٠.

الطوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام تصحیح وتعلیق علی اکبر غفاری**، تهران، نشر
صدوق. ١٤١٧ق.

العالمی (شهید ثانی) زین الدین بن علی، **تمهید القواعد**، قم مكتب الاعلام الاسلامی ١٣٦١.

العالمی (شهید اول) محمد بن مکی، **الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه**، قم مؤسسه النشر الاسلامی،

١٤١٧ق

مروارید، علی اصغر، **سلسله الینایع الفقهیة**، بيروت، مؤسسه الفقه الشیعه والدار الاسلامیه، ١٤١٠ق.
نجفی، کاشف الغطاء، **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثة)** انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ هـ.

ج) مقالات

قاسمی، محمد علی، امنیت انسانی، مبانی مفهومی والزامات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۳۰
لک زایی، نجف مقاله مطالعات فقه امنیتی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، بهار، ۱۳۹۳

لک زایی؛ نجف غایت و ماهیت فقه سیاسی: سوره اندیشه، بهمن و اسفند - ۱۳۹۰ شماره ۵۶ و ۵۷.
لک زایی، مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، بهار، ۱۳۹۳.
میر عنایت الله سادات، مقاله تجدد خواهی ص ۲۷ در سایت آزادی، www.azadibyan.com
میر عنایت الله، سادات، مقاله تجدد خواهی، در سایت آزادی.
هفته نامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تهران شماره ۲ آذر ۱۳۷۷.

د) منابع انگلیسی

Ian Bllany Towards atheory of intenaatioal security political Studies ۲۹: ۱ (۱۹۸) p. ۱۰۲ ۳

www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۰۱۹۶۷۷

www.qomna.com/paper/section/ www.azadibyan.com

Buzan&Waever ۱۹۹۸، p.۹۸.

Gilpin, ۱۹۸۶:۲۳۴-۲۷۸; See, Morgenthau, ۱۹۹۳:۸-۱۴۶.

[www. Wikipedia/free encyclopedia/ epistemology](http://www.Wikipedia/free encyclopedia/ epistemology).

www.merhnews.com.

Edward Luttwak, From Geopolitics to Geoeconomics , National Interest Interest ۲۰mMm Summer ۱۹۹۰, pp ۱۷-۲۳, Robert D Hormats, The Roots of Ameican Power, Foreign Affairs, ۷۰(۳), Summer ۱۹۹۲, pp. ۷۴۹۰.

Aaron L., Friedberg, The Changing Relationship Between Economics and national Security, in Henry Bienen (ed.), power, Economics and Security, Boulder CO: Westview Press, ۱۹۹۲ p. ۱۳۴.

Alfred Thayer Mahan, The Influecne of Sea Power on History, ۱۶۶۰, ۱۳۸۳,...

Janet Kelly, International Monetary Systems and National Security,

Knorr and Trager, Economic and National Security, pp ۲۳۱-۵۸.

economic security.. economic security. nation- building. genocide
politicide
ethnic cleansing.

Myron Weiner, Security, and International Migration, International
Security, ۱۷(۳) Winter ۱۹۹۲/۳, pp ۹۱-۱۲۶.

Shaybani, al- Siyar al- Kabir , ۱:۲۵۱, ۴:۲۰۷۰ and ۲۱۹۷; Sarakhsi, al-
Mabsut, ۱۰:۱۱۴; Kasan, Bada i al-Sana I, ۹: ۴۳۷۵; Durr al-Muntaqa,
۱:۶۳۴, Majma, al-Anhur, ۱:۶۵۹.

<http://www.asnoor.ir/Public/Articles> p

<http://www.asnoor.ir/Public/Articles>

ALdire Sabina Conceptnal framework for human security .Avaailable at:

<<http://www.humansecurity-chs.org/actvitties/outreach/ frame. pdf.p>>

WWW.avapress.com.